

”

اما می‌شد
به جای
خام‌فروشی،
با رشد صنایع
میان دستی
پایین دستی از
نظر اقتصادی
جهش کنیم. به
زبان خودمانی
تر، یعنی جای
آن که نفت
خام را بدهیم
و محصولات
فراوری
شده‌اش را
با چندین
برابر قیمت
از کشورهای
معلوم وارد
کنیم و پول را
از جیب کشور
بیرون بکشیم



کردند. آنگاه عده آدم نمی‌ایستادند و نمی‌ساختندش، اینجاری نداشتیم؛ مثل خیلی از جاهای دیگه‌ای که وقتی می‌ریم خبری از روحیه تعهد و کار مسأله محور نیست. امروز مردم مومن چه وضعیتی داشتند؟ چندصدای دست زدن مثل ویروس در کل سالن پخش شد. - ممنونم ازتون، حالا که اهمیت اینجا رو متوجه شدید بذارید برگردیم به گذشته. سال ۷۶ با توجه به توسعه صنعت پتروشیمی توی دنیا، در کشور مصوب شد که این نقطه با استفاده از مزیت‌های حقوقی و تجاری منطقه ویژه تبدیل به یک محل امن و قابل اعتماد برای اومدن سرمایه‌گذارها و تولیدکننده‌ها بشه؛ یعنی شرایطی ایجاد شد به جای این که پول تو چرخه غیرمولد جامعه بره، چرخ تولید صنعت کشور رو بچرخونه. اون موقع‌ها اینجا این شکلی نبود. فقط خاک بود و گرما. عکساشو تو اسلایدهای پشت سرمن می‌تونید ببینید.

هم‌زمان تصاویر در پشت سر دکتر جایشان را با هم عوض می‌کردند. کارگرهای آفتاب سوخته‌ای که با آتش و آهن دست‌به‌یقه شده بودند. در یکی از عکس‌ها چند کارگر زیر یک لوله پناه برده بودند تا تیغ آفتاب‌رگ‌های از گردن بیرون زده شان را پاره نکنند.

یاد این حرف افتادم که جنوب دو فصل دارد، بهار و جهنم. گوشه‌ی ذهنم گذشت این کارگران با چه بهایی این‌طور جان‌شان را سرمایه‌کار کرده بودند و برای چه و که می‌ساختند؟

انگار دکتر خودش قبلاً به این سؤال فکر کرده بود. - دوستان بهتره این کلیپ رو که براتون آماده کردم ببینید. درباره اون اولیه.

نور از سالن از سالن بیرون رفت. ما ماندیم و صفحه‌نمایش روی سن که درونش چند مرد آفتاب سوخته و غرق عرق داشتند با جان‌شان بازی می‌کردند. مصاحبه‌گر میکروفونش را جلوی صورت جوشکاری که از درون یکی از خط لوله‌ها در گرمای چهل درجه بیرون آمده بود گرفت و پرسید چرا اینکار را می‌کنید؟

شاید اگر همان موقع برنامه تمام می‌شد، جواب آن مرد برای ما کافی بود. کارگر بالهجه خوزستانی پاسخ داد: آنگاه ما نکنیم کی قراره انجام بده؟ مردم باید نیازشون رو چیکار کنند؟

کلیپ که تمام شد، نور با چشمانمان دوباره آشتی کرد. کاش صدای تشویق حضار به گوش آن کارگر می‌رسید. می‌فهمید که عده‌ای در گوشه‌ای از زمان به خاطر تلاش خاموششان از جا بلند شدند و تشویق کردند.

- احسنت! تنها راه همینه. حالا آنگاه اون کشورها به ما مواد اولیه ندن، مثل حالا که خیلی از مواد رو به ما نمی‌دهند و تحریم می‌کنند تکلیف چیه؟

سکوت بر سر سالن خیمه زد.

- من بهتون میگم؛ قاچاق! و این باعث ایجاد کارهای قلابی می‌شه و در نهایت کشور شما هرروز ضعیف و ضعیف‌تر می‌شه. تولیدات اینجا اون قدر

حیاتیه که مثلاً آنگاه اتفاق کوچیکی برای پتروشیمی مثل تندگویان بیفته وضعیت قیمت کل منسوجات کشور

بالا و پایین می‌شه. بذارید از به زاویه دیگه بهش نگاه کنیم. خوراک این پتروشیمی‌ها گاز نفتا و گاز طبیعی. ۱۴,۴ میلیون مترمکعب گاز، هرروز وارد این

منطقه می‌شه. گوشه‌ها تون در بیارید و به ضرب ساده انجام بدید. ۱۴,۴ ضربدر ۳۶۵ روز سال ضربدر قیمت گازی که توی خلیج فارس داره خرید و فروش

می‌شه. حالا این عدد رو مقایسه کنید با قیمت فروش همین حجم محصول به صورت فراوری شده. ما اینجا سال گذشته حدود ۲۶ میلیون تن ظرفیت

اسمی تولید محصول ایجاد کردیم. نزدیک ۸۰ میلیارد دلار ارز وارد کشور کردیم. می‌دونید این عدد یعنی چی؟

دوستمون قبل از من گفتن. به بخش زیادی از اقتصاد کشور داره روی چرخ پتروشیمی جلو می‌ره. حالا فکر کنید اینجا نباشه! چی می‌شد؟ دوستمون گفتن که زمان دفاع مقدس همون ۳ تا پتروشیمی رو هم با خاک یکسان

”

یه سوال؟
چرا اومدید
راهیان نور؟ چرا
اومدید راهیان
پیشرفت؟
چند ثانیه‌ای
مکت کرده.
یکدفعه یکی
از گوشه‌ی
سالن پراند
که به تو چه؟!
نیش بعضی‌ها
از جمله خودم
باز شد